

شرق

روزنامه

با دستور ستاد ملی مبارزه با کرونا از صبح یکشنبه استفاده از ماسک در مراکز پرازدحام اجباری شد / عکس: مجید عسگری‌پور، مهر



نور نوشت



تلاسه‌های کرونايي

تعادل با ژن خساست

- همیشه هر کاری را می‌خواهم شروع کنم؛ برایم سخت است، نوشتن، خواندن، آشپزی، رفتن به دکتر، حتی کار ساده‌ای مثل تلفن‌زدن. با آنکه کارهایم را اول هفته در دفترچه یادداشت می‌نویسم و وقتی انجام شد، تیک می‌زنم؛ اما مدام امروز و فردا می‌کنم. آن‌قدر به خودم سرکوفت می‌زنم که وجدان‌درد می‌گیرم، خودم می‌دانم تا انجامش ندهم، دست از سرم برنمی‌دارد؛ اما وقتی بالاخره انجامش دادم، می‌گویم: «آخیش... راحت شدم». اگر انرژی‌ای را که وجدان‌درد از من می‌گیرد، همان اول صرف انجام کار کنم، این‌همه مصیبت نمی‌کشم؛ اما از شما چه پنهان، آن «آخیش، راحت شدم»، خیلی مره می‌دهد.
- من آدم دست‌ودل‌بازی نیستم؛ حتی می‌توانم بگویم کمی تا قسمتی خسیسم. صرفه‌جویی و امساک در خونم رسوب کرده و جزء ژنم شده است. خیلی با خودم کلنجار می‌روم؛ بلکه خودم را اصلاح کنم؛ اما مگر به این آسانی است. به قول حافظ: با شیر اندرون شد و با جان به‌در رود. جالب است بدانید ضرری که از خسیسی به من خورده، از دست‌ودل‌بازی نخورده است. چه بسیار ناچار شده‌ام دولا پنهان خرج کم‌تا جریان شود. تا دل‌تان بخواهد، می‌توانم سیاهه خطاهایم را فهرست کنم.



● **محمود بر آبادی**

- عادت بدی دارم که در دوران کرونا تشدید شده است. دلم نمی‌آید چیزی را دور بیندازم؛ حتی یک پیچ و مهره ناقابل یک دکمه پیراهن را. می‌گویم یک روزی به درد می‌خورد. نمی‌دانم این خصلت را چطورِی پیدا کرده‌ام. مربوط به شهری است که در آن بزرگ شده‌ام، شهری در حاشیه‌ی کویر که حتی طبیعت هم نعمت‌هایش را از آن دریغ کرده است؛ نه آب دارد، نه سبزه و نه محصول. یا مربوط است به تربیت خانوادگی و زندگی در یک خانواده تنگدست. خدایبارمز مادم هم همین‌طور بود. دلش نمی‌آمد چیزی را دور بریزد. وقتی می‌خواست خانه‌اش را عوض کند، کلی چیزهای دورانداختنی داشت. به او گفتیم اینها که به درد نمی‌خورد، ببخود با خودمان نبریم. گفت: «دلم نمی‌آید، چه کار کنم، دست خودم نیست». وقتی ما اصرار کردیم، گفت: «من از خانه می‌روم بیرون، شما هرچه را می‌خواهید، دور بیندازید». فکر می‌کنم بچه‌های من هم همین کار را خواهند کرد.

روایت

تیره‌تر از تاریکی، تلخ‌تر از کرونا

شکوفه موسوی ، روان‌پزشک کودک و نوجوان

برای من و بسیاری که از نزدیک با آنان سروکار داشته‌ام، مضروب‌شدن آقای دکتر ابوترابی به دست همراهان یک بیمار فوت‌شده از کرونا، جزء تلخ‌ترین حوادث دوره سخت بحران کرونا بود. برای افرادی که با دشمنی قوی و قدر، با حداقل امکانات و نیز در شرایطی که تجربه‌ای در هیچ کجای جهان موجود نبود، جانانه جنگیدند و هیچ ادعایی نداشتند، وجود چنین رفتاری نه‌فقط جامعه درمان؛ بلکه مردم دیگر را نیز متعجب و متأسف کرد. در این فرصت می‌خواهم کمی درباره سیر رشدی رفتارها بنویسم و اینکه چنین رفتارهایی محتوم نیست و قابل پیش‌بینی و پیشگیری است. **کندان‌یک روز برای آدم‌های متفاوت**

آن روز خاص را در نظر بگیریم، در یک بیمارستان

دولتی کار شروع می‌شود، همه طبق روال سر جای خود هستند و به انجام وظایف خود مشغول‌اند. یکی از آنان پزشک جوانی است که دوران طرح خود را در شهری دور‌دست می‌گذراند. او در طول زندگی خود برای رسیدن به این مرحله، ناکامی‌های زیادی را تاب آورده، شب‌های زیادی نخوابیده، خستگی‌های زیادی تحمل کرده و خلاصه از سهم خود در نوجوانی و جوانی برای امروز مایه گذاشته، یاد گرفته که بخواند، ببیند، تجربه بیندوزد و طبق آن عمل کند. تا به اینجا برسد، هزاران بار برای صحیح رفتارش از سوی خانواده، اجتماع و به‌ویژه استادان دانشگاه ارزیابی شده و بازخورد گرفته و در پایان با سؤگندی متعهد شده تا آنچه را آموخته، در طول زندگی به کار ببرد. موضوع خور او باپسداری از سلامت

و جان بیماران است و هر لحظه باید به‌سرعت بهترین تصمیم‌ها را برای آنان بگیرد. او در هر لحظه، در تعاملی پیچیده است بین شرایط بیمار، علم و تجربه خودش،

امکانات موجود و نیز موقعیت بیماران دیگری که همان زمان نیازمند او هستند؛ در تائیه‌های پر فشاری که فقط در

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۹۹
۱۴ ذی‌القعدة ۱۴۴۱
۶ جولای ۲۰۲۰
سال هفدهم
شماره ۳۷۵۹
۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۳:۰۹
اذان مغرب ۲۰:۴۴
اذان صبح فردا ۴:۰۱
طلوع آفتاب ۵:۵۵

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فروا

آمار شیوع کرونا با آغار فصل گرما هم رو به افزایش است؛ گرمایی که گمان می‌رفت این ویروس را بسوزاند و امیدها را شعله‌ور کند. عواقب این پاندمی بی‌سابقه فقط ابتلای مردم به یک بیماری ویروسی نیست، خستگی و به‌پایان‌رسیدن توان سیستم سلامت در کشور هم نتیجه‌ای اجتناب‌ناپذیر و دردآور است؛ اما مهم‌تر از آن تأثیری است که بر اقتصاد و کار و کسب و معیشت ما می‌گذارد و فراتر از آن تأثیری است که بر امید به زندگی و روان رنجور جامعه‌ای می‌گذارد که پیش‌تر هم حال خوشی نداشت.

مجمع انجمن‌های گروه پزشکی ایران که منتخب بیش از ۱۷۰ انجمن پزشکی است، برای مقابله با این موج دوم بیابنهایی را خطاب به مردم، جامعه پزشکی و مسئولان منتشر کرد. در بیانیه‌ای که خطاب به مسئولان نوشته شده، تأکید بر درخواست حمایت مالی از مردم و اقشار محرومی است که کار و کسب و معیشت آنها به دلیل جداسازی‌ها دچار صدمه جدی می‌شود. بی‌تردید صدور دستورالعمل‌های بهداشتی و وضع قوانین و مقررات برای جداسازی و رفت‌وآمدها هم در حیطه وظایف دولتی است؛ اما دستورالعمل‌های بهداشتی را بسیاری از نهادهای

دیگر هم می‌توانند انجام دهند. تنظیم و اجرای مقررات هم بدون حمایت دولت و تمهیدات اقتصادی میسر نیست. جامعه پزشکی کشور مثل آن زمانی که ممکن است به پدر درمانده و تنگدستی حکم کند که فرش زیر پایت را بفروش و خرج فرزند بیمارِ کن و مسئولیت روابودن این حکم و بهبود کودک را هم برعهده بگیرد، به دولت و مدیران و برنامه‌ریزان کشور

آکادمی

موج دوم

توصیه می‌کند از منابع مالی استراتژیک کشور به قیمت چشم‌فروبتن از بسیاری از مخارج و مصالح دیگر برای مقابله با این بلیه مایه بگذارند تا در برابر توفان احتمالی‌ای که در پیش است، از وظایف اخلاقی خود چیزی کم نگذاشته باشند.

در بیانیه‌ای که خطاب به جامعه پزشکی نوشته شده است؛ ضمن تشکر از پزشکان برای آنچه تاکنون انجام داده‌اند، بر صبر و بردباری ایشان در ادامه راه تأکید شده است. در این بیانیه یک‌بار دیگر نمایندگان جامعه پزشکی تجدید پیمان می‌کنند که تا آخر در تلاش خود برای درمان بیماران، اطلاع‌رسانی به عموم و درخواست امکانات از دولت و مسئولان آنچه در توان دارند، به کار گیرند و هر ناملایماتی از هر نوع در عزم ایشان خللی وارد نکند.

جامعه پزشکی در بیانیه‌ای خطاب به مردم یک

بار دیگر توجه ایشان را به خطرات این پاندمی جلب

کرده و با تأکید از آنها می‌خواهد مقررات جداسازی

را به دقت انجام دهند. از وسایل حفاظتی تا حد

امکان استفاده کنند و مراجعات غیرضروری به

مراکز درمانی و مراکز خرید و دیگر اماکن عمومی

را به حداقل برسانند. بی‌تردید رعایت احتیاطات

برشمرده از سوی مردم و اختصاص کمک‌های

اقتصادی از ذخایر از سوی دولت و مسئولان نه‌تنها

به کنترل بحران یاری می‌رساند، نمایشی خواهد بود

از فرهنگ الوالی اجتماعی در کشور ما.

✦ **عضو هیئت‌مدیره**

مجمع انجمن‌های گروه پزشکی ایران



زیر پوست شهر

ثبت اطلاعات اقشار آسیب‌پذیر، اجرائی یا زمان‌بر؟

نبی‌اله عشقی‌ثانی ، عضو شبکه خبریه‌های حامی ایتام

حمایت‌های اشاره‌شده گاهی غیرنقدی است؛ مثل یک کیف مدرسه، مقداری برنج و روغن یا پوشاک یا جهیزیه یک عروس و دیگر موارد که خیلی متفاوت و متغیر است و نیازمند ضوابط اجرائی است.

۵- مؤسسه‌های خبریه از ساختارهای اداری خیلی ساده و سنتی تا پیشرفته و مدرن و با دانش و آگاهی متفاوتی شکل گرفته است. وقتی قرار است اطلاعات خدمات آنها در سامانه پیش‌بینی‌شده درج شود، باید به مجریان در این مؤسسه‌ها و تسکله‌ها آموزش لازم ارائه و توجیه شود که نیازمند برنامه‌ریزی و زمان‌بندی است.

۶- در این قانون همچنین بانک‌ها مکلف شده‌اند تا تسهیلات قرض‌الحسنه پرداخت‌شده به اقشار آسیب‌پذیر را در سامانه مدنظر منعکس کنند که فرایندهای اجرائی را می‌طلبد و باید سازوکار آن فراهم شود.

۷- نکته دیگری که در این بند از قانون پیش‌بینی شده، امکان استعلام استحقاق‌سنجی افراد برای مؤسسه‌های خبریه است که نیازمند بررسی کارشناسی است.

در شرایطی که چند هزار مؤسسه خبریه در اجرای این بند قانون مستقیماً مکلف به انجام وظیفه‌ای می‌شوند که درباره ضرورت، جرایم، چگونگی اجرا و نتایج مورد انتظار آن توجیه نشده‌اند، نمی‌توان توقع یک همکاری و تشریک مساعی همه‌جانبه داشت؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود حال که مرحله تصمیم‌گیری سپری شده، دست‌کم در مرحله انجام عملیات اجرائی مشاوره و تبادل نظر لازم انجام شود و دیدگاه‌ها و چالش‌های اجرائی این قانون با حضور و مشارکت مؤسسه‌های خبریه بررسی شود تا با حداقل تکانش قانون اجرا شود.

باید در نظر گرفت که چهار ماه از سال گذشته

است؛ بنابراین از دست‌اندرکاران و مجریان آن

دعوت می‌شود سریع‌تر امکان این تعاملات را فراهم

کنند.

اتفاق

نمایش تنها مجسمه موجود در ماه در اصفهان



مجسمه «فضانورد دورافتاده»، ادیشن ۱۷، برای نخستین‌بار در اصفهان به نمایش درآمد. این اثر اسفند دو سال پیش از سوی سازنده بلژیکی‌اش، پاول فون هویدونک، به موزه هنرهای معاصر اصفهان هدیه و در گنجینه موزه نگهداری می‌شد. نمونه اصلی این مجسمه آلومینیومی ۸۵میلی‌لیتری، اگوست سال ۱۹۷۱ از سوی فضایی‌های آپولو ۱۵ به فضا فرستاده شد و در کره ماه قرار گرفت. این مجسمه نمادی انسانی بدون نژاد، جنسیت و سن و تنها اثر هنری بیرون از این کره خاکی است. این اثر به همراه آثار منتخب گنجینه موزه هنرهای معاصر اصفهان، تا ۱۷ تیر در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است.

تحلیل

در این اقیانوس شنا کنید



● **میتثم هاشم‌خانی**
اقتصاددان

● درست در روز‌هایی‌که نمایندگان تازه راه‌یافته به مجلس یازدهم در بهارستان مشغول خط‌ونشان‌کشیدن برای ایستناگرام بودند، در روسیه تلگرام هم از زیر تیغ فیلترینگ بیرون آمد. اتفاقی که غیر از جنبه‌های سیاسی و اجتماعی‌ای که دارد و مهم هم هستند، تأثیر زیادی بر حوزه اشتغال و اقتصاد روسیه می‌گذارد. اما عجیب اینکه درعین‌حال که همه می‌دانند در بستر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی چه میزان جریان اقتصادی وجود دارد و چه تعداد شغل ایجاد شده، تلاش‌هایی برای محدودکردن آن در جریان است؛ آن‌هم در چنین اوضاع اقتصادی‌ای که قاعدتاً سیاست‌ها باید به سمت حمایت از مشاغل و مردم باشد. فضای مجازی در ایران و خارج از ایران غیر از تأثیر بسزایی که در حوزه افزایش دانش و آگاهی بشری و همچنین توسعه و ارتقای کیفیت ارتباطات داشته، موجب حرکت بزرگی در حوزه اشتغال‌زایی هم شده است؛ به‌گونه‌ای‌که توسعه انفجاری اینترنت و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی در حوزه اقتصاد و ایجاد اشتغال بود. مشاغل مرتبط با این فضا چند ویژگی دارند: نخست اینکه تعدادشان خیلی زیاد است و روزبه‌روز هم رو به افزایش است. خیلی از این مشاغل ۲۰ سال قبل نه‌تنها وجود نداشتند؛ بلکه اصلا کسی فکرش را هم نمی‌کرد که با چنین شیوه‌ای بتوان درآمد کسب کرد. از ساخت محتوا برای پیج‌های شبکه‌های اجتماعی شرکت‌های مختلف گرفته تا انجام هر کاری از جنس تبلیغات و بازاریابی در شبکه‌های اجتماعی، در جریان است. فروش محصولات در شبکه‌های اجتماعی تا فروش هرگونه خدمات و محصولاتی که چند سال قبل به هر دلیلی نمی‌شد آنها را فروخت. همه اینها میلیون‌ها نفر را در سرتاسر دنیا مشغول به کار کرده و تعداد این شاغلان هم روزبه‌روز در حال افزایش است. پس نخست مهم است که به مسئله تأثیر شبکه‌های اجتماعی در توسعه بازار شغلی و ایجاد شغل‌هایی که تا پیش از این وجود نداشته و حالا می‌تواند گروهی را منتفع کند، توجه شود. موضوع دیگری که دراین‌میان از اهمیت درخورتوجهی برخوردار است، این است که ایجاد این گروه بزرگ شغلی در ذیل شبکه‌های اجتماعی و بستر اینترنت احتیاج به سرمایه‌گذاری زیادی ندارد و اغلب شاغلان این حوزه با داشتن یک لپ‌تاپ یا گوشی هوشمند و کمی آموزش می‌توانند هم کسب‌وکار خودشان را راه بیندازند و هم اینکه در بخشی از کسب‌وکارهای راه‌اندازی‌شده مشغول به فعالیت شده و وارد این اقیانوس مشاغل شوند. در واقع حضور شبکه‌های اجتماعی در کشور تأمین زیرساخت‌هایی مثل اینترنت پرسرعت برای آن به این معنی است که ما در کشور بستر مشاغل بالقوه زیادی را فراهم کرده‌ایم؛ بی‌آنکه به منابع کشور فشاری از نظر سرمایه‌گذاری وارد کرده باشیم. اینکه به مسئله «اقیانوس مشاغل» در این عرصه اشاره کردم، بخشی هم اشاره به مسئله سیال‌بودن این مشاغل دارد. به این معنی که فردی در روستایی در کیلان ممکن است امنیت سایتی در بندرعباس را تأمین کند و بدون جابه‌جایی فیزیکی هم شغلش را انجام دهد و هم حق‌الرحمه‌اش را دریافت کند. در توزیع عادلانه امکانات و زیرساخت‌ها به همه این فرصت را می‌دهد‌ت تا در صورت داشتن مهارت آن شغل را تصاحب کنند و دیگر مهم نیست که فرد شاغل در کجا حضور دارد. نحوه توزیع مشاغل ذیل این فضا برخلاف شغل‌های سنتی که معمولاً در یک مرکز صنعتی متمرکز بودند، حالا در همه‌جا پراکنده است. ویژگی مهم دیگر مشاغلی که این فضا ایجاد شده، این است که به‌شدت قابل انتقال به کشورهای است که پرداخت آن به دلار ارزان محسوب می‌شود. با رنظرفگرفتن دلار ۱۹هزارتومانی هم همچنان نرخ دستمزد افراد متخصص در ایران برای خارج از ایران ارزان محسوب می‌شود و از این نظر برای کارفرما جذابیت دارد؛ موضوعی که مدتش چند سالی است در کشورهای مثل هند و بنگلادش در حال اجراست و آنها مدت‌هاست از این شیوه درآمد درخورتوجه ارزی دارند. در کشورهای که دستمزد دلاری بالاست، اساساً صرفه اقتصادی هم ندارد که برای مشاغل مرتبط با اینترنت کارمند استخدام کنند و معمولاً نیروی کارشان را غیرحضوریی و از کشورهایی که خدمات در آن ارزان است، تأمین می‌کنند. همه این مسائل را اگر کنار هم بگذاریم، می‌بینیم که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی فرصتی مناسب برای ایجاد شغل‌های انبوه در کشور است. زیرساخت لازم برای این کار هم این است که ما اینترنتی پرسرعت و باکیفیت داشته باشیم. تنها با فیلترینگ یوتیوب هم ما فضا را برای تولید محتوای مناسب درباره خودمان و کشورمان خالی کرده‌ایم، هم ضربه بزرگی به حوزه اشتغال در این زمینه زده‌ایم.